

## فصل پنجم

## اروپا، آسیا و آفریقا و آمریکا

۲۲۲ - فرانسه در آفریقا - در سال ۱۸۳۰ فرانسه  
 آنجریه را متصرف شد و بعد تمام آفریقای مراکش را تصرف کرد و این  
 قبایلی ساکن بودند که کار ایشان زراعت بود و بعضی اعراب کشتلی  
 جز جنگ نداشتند فرانسه با تمام ایشان با باطاعت آورده زراعت  
 کندم با ایشان آموختند و تا آنکه کورغوس نمودند و بنامی شهر بنامه آن  
 مملکتی فسنامی کردی از سال ۱۸۵۰ الی ۱۸۶۰ فرانسه با حاکمان  
 سکنان را تأسیس نمودند این مملکت جوانی بسیار گرم و غیر سالم دارد  
 فرانسیسی میخواند در آنجا بندگان کافی کند ولی تجارت زیاد با آنها میروند و تجارت  
 با فایده میکنند بعلت اینکه مملکتی با بتول است جمعی از صاحبان آن  
 سکنان غربت نموده شهرکی که در کنار رود بود تصرف کرد و در سال ۱۸۹۱  
 یکطرفه غیر نظامی میصرف کردید که در طرف جنوب صحرا واقع شده در سال ۱۹۰۰

فلان نام از دانشمندان فسیلشنی که در وسط صحرا واقع است  
 نمود در سال ۱۸۸۱ فرانسه تونس را که با جزیره متصل است تسخیر نمود  
 جانب خود و کین و حامی در آن مملکت برقرار نمود مملکت تونس از  
 الجزیره حاصل خیزتر است فرانسه را در آنجا درخت موکاشته  
 در راه آهین ساخته و در بزرگ بندر بزرگ نظامی بنا کرده  
 مملکت الجزیره و مارتیک در تحت حکومت سلطانی درآمده بود که قدر  
 استقرار نظم را در آن مملکت نداشت فرانسه با انگلیس و اسپانی  
 متفق گردیدند که رفرم لازم را در آنجا معمول دارند  
 در سال ۱۹۰۱ آلمانی متحرک شد که مجلسین المللی در الجزیره تشکیل شود  
 و در آن مجلس فسران و اسپانی مامور گردیدند که مالی و پلیس در آنجا  
 منظم نمایند در سال ۱۹۰۱ فرانسه با حمایت خودشان مابردی  
 مرکش انداختند باستانی خید قطعه که در تحت حمایت اسپانی در آن  
 بود و این معنی بر حسب نصایت و امضای دولت بزرگ <sup>اودیا</sup>  
 بود فسران در ساحل خلیج کینه بعضی اکنه تجارت <sup>معه</sup>  
 بهانزیم پادشاه دیم دوات فرانسه را عارت کرد و در پای

آنها را بسیر کرده و سلام ساخت دولت فرانسه سه هزار نفر با  
فرستاده پای تخت و هم را تصرف کرد و پادشاه را گرفتند  
از سال ۱۸۹۳ الی سال ۱۸۹۳ مملکت دهم جزو فرانسه بود  
و اخذ آفریقا سابق بر این نقلی مجبول بود کشفین اروپا است تمام نمود  
داخل آن شدند و آن مملکت امروفت سابقند  
در سال ۱۸۱۹ الی سال ۱۸۱۹ مملکت آمریکا استانی نام از تمام اراضی  
و اقله آفریقای مرکزی عبور نموده از مضب و دکنگو تا زنگبار  
سیاحت کرد و معلوم نمود اکنه که آب آنها برود کنگو میریزد مملکتی  
حاصل خیرات و سیاهانی که در آنها سکنی دارند از روی میل  
در غربت با اروپائیان معامله و داد و ستد نمایند پارچه پامی  
و کلبه شیشه و تفنگ از اروپائیان خریده در عرض صمغ و عاج  
و خاک طلا با ایشان میدهند و همچنین انگلیس در فرانسه و آلمانی آنها  
نمود که در آفریقای مرکزی پست با بخت تجارت برقرار کند  
در سال ۱۸۸۵ در برلین مجلسی تشکیل یافت و مملکت آزادکنگر را هم که عبارت  
از تمام اراضی مشروب از کنگو به لاپه دوم پادشاه بوجیک داد

ولی چون مملکت شمالی رود گنگو توسط عده از قشون فسرانسه که  
فرمانده آن ساورنیان برآز ابرو الکشاف شده بود مجلس برلین  
مملکت را گنگوی فسرانسه خواند

از این قرار دامنه مهاجرتشین فرانسه در افترقا از آبره تا آله  
امتداد یافته در شش ماه مورین فوراً از شمال بحروب علمی دست  
میکرد و از اجزیه حرکت کرده از وسط صحرا عبور نمینمود تا  
به لاکن چاه رسیده از گنگوی فرانسه مراجعت میکرد  
در مشرق فسر قیاد ساحل خلیج عدن بندر آبک و جیبوتی از  
مستلکات فرانسه است

در میان مستلکات فرانسه یعنی مابین کنسگو و خلیج عدن مملکت علیا  
نیل واقع شده در سال ۱۸۹۷ ما ارشان فرمان ده بحکم وزیر مستلکات از  
کنزو حرکت کرده از جنگلهامی مرکز فسر قیاد عبور نمود که در آنجا  
آدم خوار بستند و در ماه ژولیه سال ۱۸۹۱ بفا شود که در کنار نیل  
واقع شده متصل کرد در آن وقت انگلیسها بر متمدنی سودانی  
ظفر یافته از سمت نیل بطرف بالارقه و بفا شود ارسیده بود در سال ۱۸۹۱

وادعا نمودند که تمام مملکت نیل متعلق ب انگلیس است از ما رشان <sup>تجارت</sup>  
نمودند که فاشود اترک نماید و گفتند در عرض آن تمام زمینهای  
طرف مغرب شبه نامی و در نیل متعلق بفرانسه باشد در <sup>۱۸۹۹</sup>  
جزیره ماداکاسکار که قدری از مملکت فرانسه بزرگتر است با مقصد  
فاصله در طرف مشرق افریقا واقع است از زمان تسلیم تجارت فرانس  
در اینجا برقرار بودند در قرن نوزدهم دعوات انگلیس ملکه طایفه  
بنو آرا بندهب عیسوی در آوردند و طایفه بنو آردمانی جنگی بستند  
که ماداکاسکار را تصرف کرده اند انگلیسها ایشان ابراهیم <sup>تجارت</sup>  
تجارت فرانس را عارت کردند دولت فرانسه بجهت مدافع تجارت <sup>تجارت</sup>  
مقداری قشون بحری باینجا فرستاد و بندر تاماد را بنیاده کرده  
ملکه بنو آردمانی گن شوارتز فرانسه داد که داشت با ایشان اجازت  
داد که در پایتخت یعنی تاماناریو بکنفر نمایند از جانب دولت فرانسه  
برقرار باشد مطابق <sup>۱۸۹۵</sup>

ولی ملکه بنو آرا بندهب متعهد شده بود و فاش نمود در <sup>۱۸۹۵</sup> دولت  
فرانسه باز کرده هزار قشون بماداکاسکار فرستاد آب و هوای این جزیره

در سواحل خدیری غیر سالم است که بسیاری از قشون فرانسها از آنجا  
تلف شده و باد صفا این ناحیه قشون فرور تا نانا را در تصرف  
کردند و غله سواران را میگردیدند و او را اسکار بکلی مهاجر نشین فرانسوی  
کردند. فرانسها خرید و فروش غلام را در آنجا ممنوع کردند  
وزراعت برنج و فی شکر را برافزودند و از جنگلهای آن کاه و قندیل  
در کما صتیگ بعمل آوردند و در ایهار اساخته خط آهن کشیدند  
بندر نظامی دمیگک سوار در ساحل آقیانوئیس بنید و مشرف بر  
کاپ است دکاپ مهاجر نشین بنید انگلیس است

کینز فرانسوی موسوم بفرود نیاندیل سیدیه. کاتال سوبیس را کند که آن  
آنجا مستقیماً بنده و پیمین میروند بدون اینکه در دور فرستاده گردند

### سئوالات

فرانسه با انجریه را در چه سنده تصرف کنند - در آن مملکت چه  
قبایلی ساکن بودند - فرانسها مهاجر نشین بنگال را در چه سنده  
تاسیس کردند - آب و هوای آنجا چگونه است - صاحبان آن بنگال  
کجا عزیمت کردند - در چه سنده فرانسه تونس را متصرف ساخت و

در آنجا چه کرد فرانسه با انگلیس و اسپانی در باب آن جزیره و مارک چه  
 اتفاق نمود. آلمانی در خصوص مراکش چه چیز را تحریک شد. فرانسه  
 با مراکش چه حال حاصل نمود. پادشاه دهم بادوات فرانسه چه کرد  
 و فرانسه چه اقدام نمود. و اخذ افسر بیاساق بر این چه حال داشت  
 ستانی امریکائی چه کرد. سیامان سکنه آنجا با اروپائیان چه حال  
 دارند و چگونه معامله میکنند. انگلیس و فرانسه آلمانی در افسر بیاساق  
 مرکزی چه اتهام درزینید. مجلس برلین مملکت کنگورا بکند داد. در سنه ۱۹  
 ماورین فرولا از کجا بکجا طی مسافت میکردند. در میان مستملکات فرانسه  
 چه طکی واقع شد. مارشان فسرمان ده از کجا حرکت نموده بکجا رسید  
 و انگلیسها در آنوقت چه کردند. جزیره ماداکاسکار در کجا واقع شده  
 و دعوات انگلیس با ملکه هوا چه کردند. طایفه هوا با تجار فرانسه چه رفتار  
 نمودند و دولت فرانسه چه کرد. ملکه هوا متعهد چه مطلب کردید چه  
 کرد و بکجا مستقر شده فرانسه ما در آنجا چه اقدامات کردند. بندر  
 و میکان شوارز در کجاست. کانال سویس را که خرمند

گنیزه در عدن در نزد یک مدخل سحر احمد در دریای فلزم م برقرار بود  
 و در جنوب افریقا مهاجر نشین مانده را از بلندیها گرفته در ۱۸۱۹  
 بعد از آن از دماغه حرکت کرده به تمام نمود که دامنه آفند لند  
 طرف شمال دست دهند در ۱۸۱۹ پرتو کالی را را مجبور کردند که از امپریا  
 بازماند کند و در میان دماغه و امپریا جمع بیامی ترافد اول  
 بود که زیرها مسکن داشتند در عیاشانی بودند که تربیت و اشیای  
 مشغول بودند اصلاً این جماعت از اولاد بزرگان بلندی و پسر  
 فرانسه بودند که عهدنامه نانت را مخالفت نموده از اولمان خود خارج  
 شدند چندین نوبت انگلیسها خواسته مالک ایشان را تصرف نمایند  
 ولی از عهد آنها بر نیامده مغلوب گردید و مجبور شدند بورتو را  
 آزاد بستانند

در ۱۸۹۹ بورتو ملاحظه نمودند که انگلیس قشون زیاد به دماغه فرستاده  
 و از این معنی مضطرب گردیدند بالاخره جنگ با این ایشان در گرفت  
 و مدت و سال طول کشید بورتو سردار نامی قابل و رشید شد  
 از قبیل زویرت و گرت و دو و دلار و پونا و بسیاری از این



بقتل رسانیده مهاجر نشین کاپ اذرا گرفتند انگلیس مجبور گردیده دو  
 هزار تومن با بهترین سردارهای خود بجهت ایشان فرستاد قده پوزا  
 بسیار کم بود و انگلیس از زراعت آنها رائف نموده زنان و اطعاسا  
 امیر و در دوامی خود جس میگردند که در آنها هزاره از ایشان میمانند  
 بالاخره پوزا مجبور بصلح گردید در سنه ۱۹۳۰ از آزادی خودشان  
 دست برداشتند امروز انگلیس تمام ممالک جنوب افریقا را از کاپ  
 تا زامبیا مالک است در طرف شمال دره نیل را متصرف شده و  
 شروع نموده راه آهنی از وسط هند قیاسازد که امتداد آن از  
 کاپ تا قاهره باشد در افریقای شرقی بجز یک نفر شامزاده آنرا  
 باقی نمانده و او نیگوست یا منلیک پادشاه حبشه است در سنه ۱۸۹۶  
 سلطان حبشه ایتالیا نیارادر ساحل بحر احمر شکست اوزیرا که ایتالیا  
 میخواسته از مقر خود پیش قدمه تخریب نماید اما با وصف این پادشاه  
 حبشه با سایر اروپائیان که بملکت او میروند کمال خوشنقاری را  
 دارد و همیشه از اهل اروپا طرف مشورت قرار داده از ایشان سخن خوبی  
 دارد و خیال دارد اجازه بدهد که فسرانسه راه آهنی از حبش بونی

نمایند او بکشند

## سوالات

انگلیسها در چه مکان از ارضهم تیا در ابتدا برقرار کردند و بعد آلمان چه کردند — در جمهوریهایی ترانسوال و از آنرا چه اشخاص ممانع بودند و اصل ایشان از کجا بود و جنگ انگلیس با بوزن چه قدر طول کشید و بالاخره دولت انگلیس چه اقدامی نمود — امروز انگلیس در آفریقا از کجا تا کجا راجه است سلطان صبه با ایتالیا میباید چه کرد در قاره اوباس بر اثر پایان چگونه است

۲۲۴ — آمازونی — آمازونی جمهوری بزرگی است که از خیزه  
 مملکت تشکیل یافته در سال ۱۸۸۸ عده ممالک متحده آن سیزده مملکت  
 و جمعیت سکنه آن زیاده از سه ملیون بود

تمام اراضی مابین سیسی و اقیانوس کبیر مرز آرمانی سبز  
 در چمنهای خرم بود و گلدهای کا و لوبی در آنها میچرخیدند و طویف  
 وحشی نیز ساکن بود ولی چون این اراضی حاصلخیز بود بزرگ  
 و اهل زراعت بسیار بدانجا رفته مشغول زراعت شدند و خدین  
 شهر بزرگ در آن ملک بنا کردند

در سال ۱۸۴۱ در کالیفرنیا جدید که اراضی آن تقریباً میان است معدنی  
 طلا کشف شد و در جستجوی طلا از هر سوی رود انجا در تگاپو آمد  
 تا کالیفرنیا جدید مملکتی گردید صاحب یک طبرون و پانصد هزار جمعیت و  
 راه آهن بزرگ اقیانوسی در آن ساختند که از تمام امریکای شمالی  
 میگذرد و با آن از نیویورک در ساحل اقیانوس بسان فرانسیس  
 در ساحل اقیانوس که پیر در مدت هفت روز طی مسافت میکند  
 امروزه آمازون در عبارت از چهل و پنج مملکت و بشمار طبرون جمعیت است  
 و همه ساله مقدار زیادی اروپاییها مهاجرت کرده با امریکای جنوب  
 از سال ۱۸۴۱ تقریباً هشت طبرون بر جمعیت سکنه انجا افزوده شده است  
 ولی امروز دیگر کمتر آمازون در مهاجرت میکنند زیرا که مثل سابق تحصیل  
 در انجا آسان نیست حال آمازون در هفده برابر مملکت فرانسه است  
 هنوز اراضی لم یزرع در انجا زیاد است  
 در خاک آمازون معدن فغال سنگ زیاد است که مهم ترین معادن  
 عالم است امریکایها و فغال اجمت حرکت هشینا بکار برده اند  
 تجارتی زیاد حاصل کرده

از برای ساختن و فروختن امعه کپا نیامی ببردل مستحق و مجازتی  
تشکیل دادند که آنها را دوست نیامند مقصودشان آنست که محرومان  
خود را بسیار مالک امریک بفرودند و آنها را از محرومان دست  
اروپا مستحق سازند میگویند اروپایی نباید داخله در امریکاداشته  
باشد و این معنی از کلام خیرا ما خود است که گفته در امریک مخصوص  
امریکایان است

و نیز مدعی هستند که آنچه در اقیانوس هند است باید در تصرف ایثان  
باشد فرانسه با منجوا هستند کمال با ما را در امریکای مرکزی حضرت  
از برای اینکه اقیانوس کیرا باقیانوس اطلس اتعال و بندولی  
توانستند از عهد برآیند اما امریکایها هنوز در این محرم هستند  
در ۱۸۹۸ امریکای اسپانی جنگ نمود از برای اینکه او را مجبور کند تا  
جزیره کوبا دست بدارد و اینجا آزاد شد بلکه بعد از این جنگ اسپانیولیا  
مجبور شدند جزیره پورتیک که در تشکیل واقع است با هرکاد اگدا  
در پنجمین ارسیل دست جزیره فیلیپین که در اقیانوس کیر مجازی  
بین میباشند فرانسه با طبعاً دوست امریکایها هستند بخت اینکه

امریکا هم مانند فرانسه جمهوریست و غیر آنکه فرانسه در قرن بیستم  
ابن امریکا را ملک نمود تا آزادی خودشان را بدست آورد

## سؤالات

آمازون در ابتدا چند مملکت و قده سکنه آنجا چه مقدار بود — چه واقع  
شد که آبادی آن اراضی فزونی گرفت — امروزه حده ممالک متحد  
و جمعیت سکنه آنجا چند است — در آمازون کدام معدن مهم فراوانست  
و با آن چه میکند — مقصود مالی آمازون چیست و چه میگویند —

فرانسه در آنجا چه خیال داشتند — امریکا با اسپانیایی  
چه جنگ نمود و بکجا منتهی گردید

۴۴۵ — کانادا — در سال ۱۷۶۳ انگلیس با کانادا را از فرانسه  
گرفتند در حالی که جمعیت فرانسویان ساکنین آنجا شصت هزار نفر  
بود و امروزه حده نفوس ایشان دو میلیون است  
کانادای شمالی بکلی مکن فرانسویان است که زبان کانادایی  
و با زبان فرانسه حرف میزنند و در آکادمی هم صد هزار فرانسوی

است که از دویست سال قبل از نسل بزرگرامی فسرانند وجود  
آوردند

## سؤالات

کاماداسا بقا چند جمعیت داشت — و اکنون جمیعتا بقا چند است  
۲۲۶ — مکزیک — ساکنین مکزیک کاتولیکند  
بنسند و با زبان اسپانیولی حرف میزنند در این مملکت از  
اسپانیولین قدیم هشتصد هزار نفر میباشند باقی انالی مکزیک از  
نسل سندیهای قدیم هستند بدنی بواسطه جنگهای داخلی روستا  
اتحادین طوایف مکزیک قطع شده بود تا در سال ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۰ م  
مکزیک اقصی نمود و امارت آنجا را یکی از شاهزادگان اطلس  
موسوم به ماکسیمیلیان داد و او مدتی امپراطور مکزیک بود تا اینکه  
مکزیک با درگیری اسر بازان فرانسه را بملک خود طلبیدند ماکسی  
میلین را گرفته بباران کردند و مکزیک با جمهوری خود را برقرار  
نمودند امروز مکزیک مملکتی آرام است و مکزیک با تجارت دمی عهد  
با آمازوننی دارند و مملکت ایشان توسط دو خط آهن با آمازوننی

## سئوالات

از االی کزیک حرف بزید تا پیرن سیم با کزیک چه کرد و کجا انجامید  
کزیک کی با کجا تجارت و ساعده دارد

۲۲۶ - جمهوری آرژانتین - جمهوری آرژانتین

ملکوتی است که جلگه نامی وسیع دارد و بنور اغلب آن جلگه نامین و  
مرزدار است که پامپا نوریته کله نامی بزرگ آرگاو و کوسند در آنجا تجارت  
میکند سکنه آن ملک کاتولیکند بسیارند و با لغت اسپانیولی  
صرف میزنند اصلاً از نسل اسپانیولیان قدیم هستند از ده سال  
قبل از این اتصالاً االی اروپا با آنجا هجرت میکند یعنی اقلاد در هر سال  
بسیار و چل هزار نفس میوزند که نصف آنها الطالیانی هستند بسیار هم  
فلسفه اندیند مخصوص از طوائف باسک جمهوری آرژانتین امروز  
چهار طوایف جمعیت دارد

## سئوالات

جمهوری آرژانتین چگونه ملکوتی است سکنه آن چه مذہب و زبانی دارند  
آیا از اروپا کسی با آنجا هجرت نماید

## خلاصه که باید از برنمایند

اولاً - از تاریخ ۱۸۳۰ دولت فرانسه انجمن را مستقر ساخت و  
بعد ولایتی فرانسوی کرد.

در ۱۸۵۹ الی ۱۸۶۰ سال استقرار است که عمده ثروت خیزت

دلی بر آنی غیر سالم دارد

در ۱۸۸۱ تونس را تسخیر نمود و در ۱۸۸۵ کنونی فسنده را تصرف

و در ۱۸۹۳ دوم را که در ساحل کینه واقع است مالک شد

در ۱۸۹۵ ماداکاسکارا بحیطه تصرف در آورد

در ۱۸۹۶ لاک در دیاچوم پا در مالک شد

در ۱۹۰۰ هزار صحرای مستوح ساخت و پنجمین تمام اراضی را

در مغرب و در نیل در ملکیت فرانسه می باشد

ثانیاً - انگلیس در ۱۸۹۵ کاب در مادامو اصل کینه و حد

تصرف نمود و در ۱۸۹۶ زانبر را تسخیر کرد و پس از جنگ دو ساله در آنجا

و اثر آن متصرف شد مشکلات انگلیس در آفریقای شرقی از کاب تا قاهره



ثالثاً - آمازون که در گذشته بسیار آشفته و بی‌ساز و برگ بود و بیرون می‌رفت  
 داشت امروز صاحب چهل و پنج مملکت و بیعتاد بیرون سکنه می‌باشد در  
 کالیفرنیا معاون طلا کشف شد و راه آهن از اقیانوسس گریز شده است  
 و مطامع امریکای شمالی عبور میکند

اشخاصی که از اروپا و جلا می‌روند می‌کنند بسیار بی با آمازون می‌باید  
 از ایرلند و المانها امروزه آمازون ادعا میکند که بر آنچه در اقیانوس  
 کیر واقع است مخصوص من است

رابعاً - کانادا که در گذشته شصت هزار جمعیت داشت امروزه دو  
 بیون سکنه دارد که خالماً فرانسوی و در تحت حکومت انگلیس است در

امریکای شمالی وحشیان بومی تقریباً بکلی تمام شده اند

خامساً - ساکنین مکزیک مخصوصاً از ترا و قدیم می‌باشند و پس  
 از جنگهای طولانی داخلی در سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۷ مکزیک را منسوخ ساخت و بنام

امپراطور نشین کردید ولی مجدداً در سال ۱۹۱۷ جمهوری شد

سادساً - جمهوری آرژانتین که جزو اعظم اوصاف بسیار حاصلخیز است

آن اسپانیولی مستعبد ولی بسیاری از ااطالی فرانسه از وطن خود جلا نمود و با بجا

## ماحصل کتاب چهارم

اولاً - در قرن نوزدهم چرخهای عجم و هند بسیار پیداشد که هیچ عصری پیشین  
 نداشت. علم سبب کردید که بسی خریا بسیس از قدیم الایام بدست آید چنانکه حاصل  
 ذمت خود را از طرف دنیا بطرف دیگر آن عمل نمودند و طوائف و اراضی جدید  
 در امریکا و استرالیا پیداشد و اروپا میان صاحب ممالک آنها گشتند  
 ثانیاً - مردم از سابقان آزادتر گردیدند و دول مشغله قدیم از میان رفت موافق  
 و آلمانی و بجز این دو دولت تمام اهل اروپا خودشان بحکومت ممالک خود دست  
 راجعاً - بسیاری از ملل از یکدیگر جدا و متباعد گشتند  
 خامساً - بدتجانه در همان زمان قسونهای بزرگ تشکیل یافت پردهس و  
 و روس بر آزادی ملل فشار وارد آورد و پس را تقسیم کرد و دولت پردهس  
 بر آزادی ملت فشار آورد و بدون ضایت لای مانور پیدا و انکار ایضاً  
 و انگلیس کرنی مارا بخود منضم ساخت پس از روی تشخیص و تعیین تحولات  
 اروپا داشت  
 سادساً - اروپا یک جزو کلی از تمام عالم است در آسیا و استرالیا و امریکا  
 اقرباً ممالک بزرگتر و حاصلخیزتر است و مردمان اروپا در این ممالک مهاجر  
 قسیر نمودند و اغلب اقسام دارند که مهاجرترین نامی خود را دوست بندند و در  
 ششیمای فرانسه از برای فرانسویها خلیج کان باتی است

بِسْمِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

## رجوع اجمالی بتاریخ هر مملکت

۱- شمال آفریقا - مصر - در حوالی قرن ششم  
 قبل از مسیح در تصرف کارتاژ درآمد و بعد رُمها در سده ۴۴ قبل از مسیح  
 آنجا را تسخیر کردند در سده ۴۳ تسخیر و اندالیا کردند که مملکت و اندالیا  
 در آنجا تشکیل دادند - و بعد از آن روستی من امپراطور رُم شرقی آنجا را  
 تسخیر ساخت در قرن پنجم مسیحی عربها آنجا را متصرف شدند و دین اسلام  
 در او قشر ساختند در قرن پانزدهم ترکها از عثمانیان آنجا را گرفتند  
 از سده ۱۸۳۵ فرانسه آنجا را تسخیر نمود و در سده ۱۸۸۲ تونس را متصرف  
 گردانید - آلمانی - آلمانی آن رزمین بودند رُمها آلمانها را تسخیر  
 نکردند آلمانی آلمان مملکت رُم را در قرن چهارم مسیحی فرا گرفتند  
 رُمها آنها که در آلمان باقی مانده بودند یک جزیره آنها تابان مرد و رُمها  
 و آلمانی صیبری قببول کردند تسخیر مملکت آلمانی بر دست طوائف گوناگون

لژیها انجام یافت و ایشان در آلمان و فرانسه و ایتالیا حکومت  
میکردند تا زمان ورود در سال ۱۴۳۰

و بعد از آن مملکت آلمانی پادشاهان مختلف از طوایف مختلف پیدا کرد  
که یکی لقب امپراتوری داشتند و این معنی از زمان اطن بود در سال ۱۴۶۳  
الی زمان فرانکو زرف در سال ۱۴۹۴

آلمانی در تحت این امپراتوری خود از قرن دهم و یازدهم و دوازدهم  
شبا قدرت بود ولی در قرن سیزدهم ضعیف گردید و بعد از این  
نشین کوچکت تقسیم شده در ایام جنگهای صلیبی ساحت آن مملکت از فرانس  
کمر بود و بعد از آن در جنگهای با پاپا امپراتور اکتیه منقر کرد  
و از ابتدای قرن یازدهم رفته رفته تسلط امپراتور را کم شد و امپراتور  
از خانواده اطریس غنچه گردید در آنوقت تسلط مملکت در آلمان  
کمر از اوقات دیگر بود در سال ۱۵۱۹ شارلکن با امپراتوری آلمان تخت نشین  
و آلمان مشغول جنگ با فرانسه بود تا زمان استعفای شارلکن در سال ۱۵۵۵  
رفرم بر آلمان بود و عنوان کرده این مملکت بدو همت بزرگ منقسم  
گشت که یک همت کاتولیک مذنب و همت دیگر پروتستان بود و پرتستان

بعاد نشت فرانسه در ۱۵۵۵ تحصیل آزادی عقیده نمود و چون امپراطور  
خواستند این آزادی را از ایشان بگیرند شاهزادگانی که پروتستان  
بودند بنامی شورش گذاشتند و جنگ سی ساله عجارت از زمین است  
که از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸ است بر امپراطورهای آلمان از شاهزادگان  
کاتولیک و بآلمان اسپانول حمایت نمودند ولی چون پادشاه  
سوئد و فرانسه از پرستانها حمایت میکردند ایشان غالب آمدند امپراطور  
شکست میخورد و چون مصالحه دست فالی انجام یافت تا یاده از سینه  
شاهزاده آلمانی بیظفت متقل نایل گشتند

در قرن نهمم اغلب شاهزادگان آلمان در دشمنی بوسی چهاردهم با  
امپراطور متقل و متقل شدند

در قرن بیستم آلمان میدان جدید جنگ واقع شد و پروسس با امپراطور  
جنگ نموده غنیمت با او بود در جنگهای شورش که آلمانها با امپراطور  
و پادشاه پروسس کردند طوائف آلمان با یکدیگر متفق و متحد گردیدند و با  
زن از آلمان مجبری شد و جمهوری فرانسه طغی گشت تا پیرین بر سر  
قو قات پی در پی آلمان را متقلب ساخت در ۱۸۰۵ فرانسه و آلمان

اتریش مغلوب گردید و لقب امپراطوری آلمان از دست شد و با چنگ  
 اطریش لقب گردید و در آن وقت دول متحابه از ملل آلمانی تشکیل شد  
 ولی اطریش و پروس از آنها جدا بودند و ناپلیون خود را حامی دول  
 متحابه اعلام نمود در سال ۱۸۱۳ آلمان بر فرانسه شورش نمود بعد از  
 خرابی کار ناپلیون در حرب عهد نامه وین مملکت آلمان بدول متحابه مرتب  
 گشت در رئیس آنها امپراطور اطریش بود مملکت آلمان بجای سیصد و  
 بیست و پنج قسمت تشکیل یافت

از سال ۱۸۱۵ الی ۱۸۴۵ در حالیکه تمام آلمان در اطاعت سی و پنج شاهزاده  
 بودند از جانب بریکتار شاهزادگان سفیری با مقرر گشته از کلیه ایشان  
 مجبوس تشکیل شد که محل آن در فرانکفرتولین بود و حسن خوانان آلمان  
 طالب اتحاد آلمان آزاد می خودشان بودند ولی هیچکدام را نتوانستند  
 تحصیل نمایند در سال ۱۸۴۵ آلمان شورش نموده و کلائی تعیین کردند که  
 در فدراسیون جمع شوند و یک مملکت آلمان واحدی تاسیس نمایند ولی  
 کسی زیر بار امپراطور شدن نرفت و بعد شاهزادگان آتش شورش را  
 خاموش ساختند در تمام آن اوقات پروس با اطریش مشغول مانع

بودند و بریکت میخواستند بروگیری حقوق و برتری داشته باشند در ۱۸۶۶  
 مابین پروس و اطریش جنگ در گرفت و بالاخره پروس غالب گردید  
 و اتحاد قدیمی منحل گشته دو معاهده جدید منعقد شد یکی معاهده آلمان  
 شمالی تحت استیلای پروس و دیگر معاهده آلمان جنوبی ولی اطریش از  
 این بر دو معاهده خارج افتاد

در ۱۸۷۱ در جنگ آلمان با فرانسه این دو معاهده یکی در متنوع گردید و بعداً  
 آنکه بر فرانسه ظفر افستند تا برای گمان آلمان پادشاه پروس را که  
 کل آلمان اعلام کردند در ۱۸۷۱

۳- انگلیس - سکه اولیه انگلستان جمعی از سکه های طلا  
 طایفه نخل بودند و در آن وقت آن مملکت ابرطان می نامید و کجور  
 آن مطیع رُمنها بودند بعد از آن در رمانیان این مملکت را فرا گرفته شدند  
 قرن ششم میلادی طایفه آنگل ساکسون در آن فتنه دادند و در آن  
 آن مملکت را کثرت نامید شد ایرلند و اکثر جزو انگلستان بودند و کثرت  
 پادشاه نشین متقسم بودند در بریکت از آنها طوائف آنگل ساکسون بر قرار بود  
 در حقیقت کثرت و الی جزو انجمنی انگلستان را تصرف نمود در ابتدا این جزو

در آنجا تسلطی کامل بود ولی از آغاز قرن سیزدهم تسلط او تخفیف یافت  
 و در جنگهای صلیبی انگلر کمر از فرانسه حرکت داشت همیشه پادشاهان  
 انگلیس با پادشاهان فرانسه در جنگها و غیره متحد و همسرا بودند  
 در سال ۱۲۵۴ انگلیس با از مملکت فرانسه رانده شد جنگهای داخلی باعث  
 تزلزل انگلیس گردید و آنها را جنگ دوکل سرخ میامیدند امتداد آنها  
 از سال ۱۲۹۶ الی ۱۳۹۶ بود

در آفرین جنگها پادشاه انگلیس بسیار متقدر شد و فرانسوی اول  
 و شارلکن با کمال میل اتفاق و اتحاد او را جلب نمود از بیستم  
 با پاپ نزاع برخاست و خود را از کلیسای کاتولیکها منفرد نمود بعداً  
 او تمام انگلیس بریتان شدند و کلیسای انگلیکان را تشکیل داد  
 در ابتدای قرن بیستم در انگلیس دوشورشش بزرگ ایجاد شد در سال ۱۶۰۲  
 بر شارل اول پادشاه انگلیس شورش نمود و شارل اول مقتول  
 و مقتول گردید در سال ۱۶۴۹  
 و در آنوقت مملکت انگلیس در ظل حمایت کیرمول جمهوری شد در سال ۱۶۴۹  
 ۱۶۵۹ و بعد از آن دوباره سلطنت برقرار گردید ولی هنوزی کشید



در سال ۱۷۶۳ ژاک دو تیم از انگلیس رانده شده و کیلیوم در اثر سلطنت  
انگلیس باقیه حکومت علی متیناً تأسیس شد.

انگلیس احزاب و طایفه ابرصد لوی چهاردهم حل نموده با اداره دولت  
امور ایشان میپرداخت و در قرن بیستم انگلیس مهاجر نشین بزرگی  
تأسیس نمود و گاماد را از فرانسه گرفته شروع به تخریب نمود ولی  
مهاجر نشین مانی که در آمریکا می‌شمالی داشت از دستش بر رفت و خود  
ایشان دول متحده آمازونی را تشکیل دادند.

در مدت شورش در ضمن تأسیس مهاجر نشینها انگلیس دوشمی  
نسبت فرانسه حاصل نمود در سال ۱۸۱۵ مملکت کاپ تصرف انگلیسها در آن  
و در تمام مدت قرن نوزدهم علی الاتصال مهاجر نشینهای انگلیس تهریز  
شده در سال ۱۸۵۲ انگلیس فتح بندوستان را تمام کرده شورش  
سپاهیان را خاتمه داد و بجهت اقتحاج بنادر با دولت چین جنگ نمود  
و جزیره تیرس را تحصیل کرد و استرالی را مهاجر نشین خود قرار داده  
و عدن و مصر و سرزمین و دنیل را با تمام افریقای جنوبی متصرف شد  
۱۴- استرالی - شرحی که در باب او گفته شد ملاحظه کنید

۵- اطرشس - عرش در ابتدا سبارت از یاقتی بود که  
 تاریخ با حاکمان آلمان مشتبه شود و همیشه حاصل کردن او هزاره  
 قرن ششم شروع نمی شود و در عصر هجده انی تاریخی ندارد  
 در ۱۲۶۶ رُودلف بابس بزرگ آقاسی کوچکی از مملکت سویم  
 امپراطور آلمان مملکت اطرش را که در آن وقت متعلق به سیم بود تصرف  
 کرد و از آن زمان بابس بزرگ با حکمران اطرشس کردید از آن  
 فروردین سیم در ۱۸۱۹ پادشاه اطرش لقب امپراطوری یافت و  
 سلطنت آلمان موروثی بابس بزرگ شد  
 در ۱۸۷۱ شارلکن که رئیس خانیه بابس بزرگ بود با امپراطوری  
 شد و پس از گذاره که در آن شارلکن برادرش فرودیان که ولی  
 عرش بود امپراطور گردید و در حالیکه مالک اطرش بود و از جنگ  
 و هوگر می شد و از آن زمان سیم و هوگر می با اطرش تعلق یافت  
 امپراطورهای اطرش که کاتولیک مذیب بودند رفرم مذیبی را  
 پیشند و نمیکند هستند قوانین رفرم در ممالک ایشان که اطرشس  
 داخل شود ولی آنان از رفرم دفاع و حمایت کردند و این سیم

جنگ سی ساله کرد از ۱۶۱۸ تا ۱۶۴۸

و بلاخره پادشاهان کاتولیک مغلوب گردیده مجبور شدند که سلطنت شاهزادگان آلمان را تصویب نمایند و اینمسی توسط معاهده وستفالی در ۱۶۴۸ انجام یافت پادشاهان فریب‌ناپذیر چهاردهم جنگ میگرد و ثامت اجزای بسیار بر ضد او اجتماع داشتند اسپانی که دعوی امپراطوری میکرد بعد از جنگهای پی در پی که با طایفه آلمانی نمود ملک بلیک و میلان و ناپل را بدست آورد

در قرن بیستم هم مملکت ناپل از دست اطریش بدر شد و یک نفر از طایفه بوربن اسپانی رسید و همچنین سیلزی را پر و سس از او گرفت ولی در عوض یک هزاره جوگری را که در تصرف ترکها بود از آنها گرفت اطریش اولین مملکتی است که شورشیان فرانسه از برای آزادی با اعدام جنگ نمودند و مملکت بلیک و میلان را قشون جمهوری فرانسه از اطریش گرفتند و این دولت اول دولتی است که در ۱۸۰۵ در جنگ اتریش مغلوب ناپلیون گردید فرانسه از زلف بعد از خرابی کار خود از لقب امپراطوری آلمان صرف نظر نموده لقب امپراطوری اطریش را

آه نمود و بواسطه ناپلیون اردو دول متحابه در مانیک مغرود شد

۱۸۱۳ بر ضد ناپلیون مسیح گشت

معاهدات ۱۸۱۵ مملکت لیا رودیسی را با امپراطور اطریش داد و در وقت

رئیس حقیقی دول ژرمانیک شد امپراطور اطریش بمجواره در معائنات

بنای آزادی سد می کشید در ۱۸۱۴ اتزلزل بر طرف کرد و

آنوقت وطن خوانان المان امید خودشان را بجهت پروس

داشته

در ۱۸۵۹ بواسطه خرابی که فرانسه پیرفت با وارد آوردن اطریش

ضعیف گردیده میدان میباردی اردتس رفت در ۱۸۶۶

مغلوب پروس و ایتالیا گردیده ویسی اردتس رفت و از المان

مجرى گشت در ۱۸۶۶ مجبور گردید که قانونی از برای سوکری مقرب

و امروز چون اطریش مغلوب پروس گردید مجبور است با او متحد

ع - بلجیک - بلجیک در سابق خرابت بسیار بود و حرب

ارث بسیار لکن قتل گشت در قرن شانزدهم و هفدهم بدولت اسپانیا

تعلق گرفت لوی چهاردهم دو ایالت از او قسرح نمود یکی اردنواز

در ۱۷۵۱ میلادی در ۱۷۵۱ میلادی در ۱۷۵۱ میلادی در ۱۷۵۱ میلادی  
 ۱۷۵۱ میلادی در ۱۷۵۱ میلادی در ۱۷۵۱ میلادی در ۱۷۵۱ میلادی  
 فرانسه طی کنفرانس وین در ۱۷۶۳ میلادی این مملکت به فرانسه  
 شد در ۱۷۶۳ میلادی با حکایت فرانسه استقلال یافتند و دولت پارلمان  
 تشکیل دادند

- ۶- کاتانیا - این مملکت در قرن هفدهم میلادی به ماجر نشین  
 گردید در مدت جنگ هفت ساله به واسطه حطامی دولت فرانسه در  
 به تصرف انگلیس درآمد تا امروز متعلق به انگلیس است
- ۷- چین - تاریخ مخصوص او را ملاحظه کنید
- ۸- مصر - مملکتی قدیم آئین است ابتدا در تصرف  
 به یونانیان سپه پادشاه ایران شد و بعد اسکندر یونانی او را تصرف  
 و بعد از آن از آمد امی دولت در آن قرن هفتم مخدوم شد در ۱۷۹۸  
 متصرفان اعراب درآمد
- در قرن هفدهم پادشاه نشینی متعلق گردید  
 در ۱۷۹۸ میلادی در ۱۷۹۸ میلادی

فرانسہ درآمد و بعد دوبارہ ترکھا اور اسٹور ساختند در سلسلہ احمد علی  
پاشا خدیو مستقل مصر کردی

۱-۔ ہسپانیہ - ساکنین اسپانی طوائفی از اہل مملکت کل بودند  
صد سال قبل از مسیح بتصرف منہا درآمد

در قرن پنجم بربریا اورا مستخر نمودند  
قریب تمام ایشان مطیع و زیری گشت با بودہ  
در سلسلہ اعراب آنجا را مفتوح ساختند

از قرن ششم الی قرن ہفتم عیسویان اسپانیول از برای تحصیل  
آزادی زود و خورد میکردند مملکت اسپانی بچہ پادشاہ شہین گویا  
عیسوی منتقم گردیدہ از این قرار لئون - کاستیل - آراگون -  
ناوارہ - پرتوگال این ممالک اغلب با یکدیگر جنگ داشتند و با  
عربان نیز میجنگیدند اما در جنگهای صلیبی مشرق شرکئی نہ داشتند و جنگ  
صلیبی آنها بجان جنگی بود کہ با اعراب میکردند

در قرن ہفتم ممالک عیسوی اسپانی ترقی بسیار نمودند بخصوص دولت  
کاستیل و آراگون در سلسلہ اعراب از آن مملکت پیون کردند و در سلسلہ

همان تاریخ تمام ممالک اسپانی باستان می پر تو کال یکت مملکت و احدی  
 در ۱۴۹۲ اسپانیا مملکت امریکه اکتشاف نمود و در ۱۵۲۱  
 مکزیک را مستعمر ساختند و در ۱۵۲۹ مملکت پرتغال متصرف شد و در ۱۵۴۱  
 فرانسه را از فیروزی در ایتالیا مانع گشتند و مملکت ناپل را تصرف نمودند  
 در زمانیکه پادشاه ایشان شارلکن امیر اطوار کردید مملکت اسپانی  
 بسیار مقتدر شد اما لی اسپانی در مذہب کاتولیک باقی ماندند  
 و با تقییس و مراقبت و مجازاتهای سخت مانع از رفرم مذہبی بودند  
 ترتیب زدویت با متوسطا کینفر اسپانیولی ل الا نام واقع شد  
 بعد از استعهای شارلکن پیرش قلب دویم رئیس حرب کاتولیک  
 ارب کردید ولی عییش در همه جا بعد رفت  
 در قرن بعدیم اطیش با اسپانی متحد گردیده با فرانسه جنگ نمود  
 و مملکت بلاند از دستش رفته در ۱۶۴۸ بلاند یکی آزاد و مستقل کردید  
 در مصالحم پیرت در ۱۶۵۹ در سلیس و ارتوا از دست اسپانی خذید  
 در عهد نامه اکتس لاساپل در ۱۶۵۹ یکت آزاد و قرض کردید در ۱۶۷۹  
 شهرهای فلاندر و فرانکس گنت از اسپانی مترج و بفرانسس ملحق شد

در ششده سال دوم اسپانی با برالی آمد و قلیب گذاشت و بعداً  
 آن بریک و میلان و ناپل از مملکت اسپانی منفرد گشت با طریقی طریقی  
 انگلیس با جل الطارق را تصرف کرد

در مدت قرن بیستم رفقاری که قابل ذکر باشد از اسپانی در اروپا  
 ظهور نرسید در ششده سال اسپانی جمهوری فرانسه اعلان جنگ نمود  
 قشون فرانسه مملکت اسپانی را فرا گرفت و اسپانی مجبور به صلح گردید  
 در ششده سال ناپلیون اسپانی را مستعمر نمود و برادرش ژوزف اما د شاه  
 کرد ولی بعد از مراجعت ناپلیون امالی مملکت شورش کرد در ششده سال  
 فرانسه از اسپانی برانده شدند و سلسله سلاطین قدیم اسپانیول  
 بار دیگر سلطنت متعزرت گشتند و فرو نیاید بقدم با حکومت مطلقه سلطنت کرد  
 آزادی طلبان اسپانیول از این جهت همچنان آمدند ولی قشونی از فرانسه  
 فرو نیاید در سلطنت متعزرت نمود تمام جاهای نشینها که در اروپا  
 متعلق با اسپانی بود از دستش در بر شده بریک از آنها جمهوری آزاد  
 گردیدند

در جلوسس طکه الیزابل اسپانیول دولتی مشروطه گردید و در جلوسس سوزیا



## سوالی مترزل گشت

و بالاخره در ۱۸۶۸ ایبراهیم اسپانی رانده شد و این حاکم جمهوری  
گردید در ۱۸۷۱ یکی از شاهزادگان ایتالیا سلطنت اسپانی یافت  
ولی تراثت سلطنت ناپید و استعفا نمود و مجدداً اسپانی جمهوری  
ولی دیرمی نگذشت که انفونس پسر ایبراهیم بر تخت سلطنت متقدم

۱۱- آمازونونی - آمازوننی در ممالک متحده ۲ در قرن نهم  
عاجز نشین انگلیس کرد در ۱۷۷۳ اهل مملکت برصدا انگلیها شورش  
گرفتند و در ۱۷۷۶ جمهوری آمازوننی برقرار شد و این مملکت در آن  
بود که انگلیس را مجبور نمود تا آن ممالک را با آزادی بشناسد

در قرن نوزدهم جمعیت نفوس ایشان در مدتی قلیل خیلی زیاد شد در  
۱۸۵۸ مابین ممالک جنوبی و شمالی آمریکا بواسطه خرید و فروش غلام  
جنگ انفصال شروع شد

و در ۱۸۶۹ اقدام یافت و ممالک شمالی منظر و منصور گشته قانون  
غلام فروشی منسوخ شد

ممالک متحده برتریک را که بربره از آنها می باشد با جمیع این جزایر

در مقابل عین واقع شده بدست آورد.

۱۲- فرانسه - فرانسه در ابتدا مسکن طوایف کل بود پنجاه سال قبل از مسیح رهنمایان تجارت تصرف کردند و در قرن چهارم میلادی مغرب ریه بیاگشت و در ابتدا می قرن ششم تمام ممالک آن مطیع فرما کردند و تا سال ۱۷۵۷ طایفه مرویشین در آن حکمرانی کردند و در سال ۱۷۶۲ کارلوزین ممالک آن بودند و بعد از ایشان طایفه کاپین حکمران شدند

در قرن دهم و یازدهم و دوازدهم فرانسه بملوک الطوایف متعدد تقسیم کردید و رفته رفته در قرن سیزدهم در تحت تسلط یک پادشاه جمع شد فرانسه در جنگ های صلیبی از قرن یازدهم تا سیزدهم همگام عظیمی داشتند جنگ صد ساله را با انگلیس انجام دادند و در تمام آن جنگ در سال ۱۴۵۳ بود

و در آنوقت فرانسه مملکتی شد که اقدار سلطنت در آن قوت یافت ملوک هشم و لوی دوازدهم و نهم و نهمی اول پادشاهان فرانسه از سال ۱۴۹۳ الی ۱۵۲۳ میلادی خواستند برای ایتالیا ظاهر بمانند

در عهد فرانسوی اول مانری دوم از ۱۵۱۵ الی ۱۵۵۹ فرانسه با شاه کهن  
زد و خورد نمود

در عصر سلطنت شارل نهم دمانری سیم و در ابتدا می سلطنت مانری  
چهارم فرانسه بواسطه جنگهای نهی متزلزل و ضعیف شد تا موقع عهد  
نانت در ۱۵۹۱ و بعد از آن مجدداً پادشاه مالکتر قاب کرد و با خان  
اطرش زد و خورد نمود مانری چهارم پلاند بهار را در تحصیل آزادی آنها  
ملک و معاونت نمود لوی هشتم از ۱۶۱۰ الی ۱۶۴۳ و همچنین لوی چهارم  
در عهد خود پرخانزاده اطرش فریوزی عظیم یافتند

مصالحه و استتالی در ۱۶۴۱ و مصالحه پیریه در ۱۶۵۹ واقع شد و  
آنوقت لوی چهارم مقتدرترین سلاطین اروپا کرد و ممالک  
در روسلن و آرتوار را منخر ساخت و پس از آنکه آنقدر خود را  
نوده شهر فلاندر و فرانسه گنت را تصرف نمود و تمام اروپا برهنه  
او متفق شدند و پس از مرگ لوی چهارم در ۱۶۴۳ فرانسه  
در قرن بیستم فرانسه باعث شد که ممالک جدید پروسی و روسی  
شود و بهایر نشینهای فرانسه بحرف انگلیس درآمد ولی آنزونی را

نمود در سال ۱۷۱۳ تا آزادی خود را تحصیل کرد

در سال ۱۷۱۹ شویش فرانسه شروع شد و سلطنت از میان رفت تشرین  
روپسین فرانسه با تمام اروپا که با یکدیگر متحد شده بود زد و خورد نمود  
و پی با د ممالک ساحل رود رن را تصرف کرد و چند وقت در آنجا  
یک نفر ژنرال رشید فاتح ناپلیون بنا بارتد حمور بنی فسر آنرا  
برهم زد و ابتدا در سال ۱۸۰۱ با هم کهنولی گمرانی کرد و بعد در  
با مپراطوری سلطنت متقل نمود

ناپلیون با تمام اروپ جنگ نمود و مدتها بر سر نظریات بی  
جنگی که با انگلیس کرد

بعد از آنکه از میان روسیه عقب نشین گردید و در آنجا  
چنان تا خاک فرانسه عقب نشسته و در آنجا عقب نشین  
جنگ بود

در سال ۱۸۱۴ ناپلیون از سلطنت استعفا نمود در سال ۱۸۱۵ مجدداً  
کرد و در واترلو شکست یافته مجبور شد که در باره استعفا نماید  
و در نامه ای در ۱۸۱۵ فقره حیات شویش را از فرانسه عقب نمود

و مجدداً سلسله سلاطین قدیم برقرار گردید تا سلسله سلطنت کرژو تا  
 زمان یعنی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۳۰ از زمان رجعت سلطنت گویند و در  
 این زمان فرانسه یونان، انگلستان و آلمان آزادی خودش را بدست آورد  
 آزادی طلبان با سلطنت یعنی ضدیت میکردند تا در سلسله سلطنت  
 و آنگون ساختند

از سلسله ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۸ لویی فیلیپ پادشاه آلمان سلطنت فرانسه نمود و در  
 سلطنت او فرانسه بترکیه انگلستان و آلمان آزادی خودش را تحصیل نمود  
 در شورش ۱۸۴۸ لویی فیلیپ و آنگون گردید حق انتخاب عمومی  
 مقرر شد رئیس جمهوری که لویی ناپلیون بود بار دیگر جمهوری را و آنگون ساخت  
 در سال ۱۸۵۱ دوباره امپراطوری را برقرار کرد

در عهد سلطنت او فرانسه ایتالیا را انگلستان و آلمان را تحصیل آزادی کرد  
 بعد در میان فرانسه و آلمان جنگ در گرفت و امپراطوری فرانسه  
 و آنگون گردید در سلسله ۱۸۷۰ بوجب عهدنامه فرانکفورت مملکت آلمان  
 و غیر آلمان از فرانسه تفرج گشت

از سلسله ۱۸۷۰ دولت فرانسه جمهوری است و در آفریقا نظریاتی عمده یافته

از قبیل فستج تونس و ماداگاسکار و کنک و غیره و در شرق آهسی بند  
چین فرانسه را مالک شد

۱۳۰ — یونان — در قدیم مملکت یونان چندین شهر تقسیم شده بود  
و بالاخره همه آنها مطیع پادشاه ماسدون شد  
و در سال قبل از میلاد مطیع پادشاهان من گشته و بعد جزیره ای  
قسطنیه گردید

و در سال میلادی بتصرف مجارین صلیبی درآمد  
و تا سال ۱۲۶۱ جزیره ای طوری لاتین قسطنیه بود  
در قرن پانزدهم ترکها در عثمانی، آنجا را تصرف کردند  
در سال ۱۸۲۱ بر ضد ترکها برخاستند

و در سال ۱۸۳۱ با کمک فرانسه و روس پادشاه نشین یونان تشکیل دادند  
در سال ۱۸۳۱ تسالی را تصرف کردند

۱۴ — بلژیک — بلژیک از ابتدا جزیره ای کوچک میان رود و بنجا نژاده اسپانی  
تعلق داشت در قرن شانزدهم رنسمه در او مقرر گردید و بر ضد  
دویم شورش نمود و در سال ۱۵۸۵ جمهوری ایالات آنازونی را تشکیل داد

دو قرن بعد بمهاجر ششپنجاهی بزرگ در جزایر هند برقرار نمود و بارها  
بنامی تجارت گذاشت در ۱۶۸۱ توسط کیوم در اثر پادشاه  
که پادشاه انگلیس شد با انگلیس متحد گردید

در ۱۷۹۵ مغلوب فرانسه گشت و جمهوری با نام آن مملکت تشکیل شد و  
بعد از آن توسط ناپلئون اول سلطنت نشین گردید و در ۱۸۰۴ اسطفت  
پیر در خودش برانی داد و در ۱۸۱۰ ضمیمه فرانسه شد و در ۱۸۱۲ آزاد  
گردید و بزرگ باطلی گشت و در ۱۸۱۴ مکتب آزاد گردید

۱۵- هند - در قرن هفدهم فرانسه با کمپانی تجارت  
برقرار کردند و در پینتیس شروع تبحیر آن مملکت نمود ولی لومی بازدم  
در دولت خود او را معزول ساخت

در ۱۷۵۷ الی ۱۸۵۶ مملکت هند منخر انگلیسها گردید و در ۱۸۵۷  
سپاهیان در آنجا احداث شد هند و چین انگلیسها از طرف  
برمان تصرف کرده بود و فرانسه با از طرف شرق یعنی از طرف  
کشور چین و تانگن و انام و کامبوج  
مملکت سیام محل نزاع مابین انگلیس و فرانسه گردیده و آزاد مانده بود

عا - ایتالیا - ایتالیا مسکن مردمانی مختلف بود که کلی  
 اطاعت زنها بود و زنها مملکتی بزرگ تشکیل داده بودند ایتالیا  
 در قرن پنجم بعد از مسیح متحرک بریان گردید و بعد از آن در ۱۰۰۰  
 باطاعت اشکوت آمد و همچنین متحرک امپراتور تسلطیه کرد و در ۱۰۰۰  
 مباردا با تجار تصرف نمودند و بعد بتصرف شارلمان درآمد  
 و بعد از آنکه عهدنامه درودن در ۱۰۰۰ تشکیل یافت ایتالیا باد  
 نشین علیجه گردید ولی شخص پادشاه ابا تسلطی داشت و مملکت بین  
 عده زیادی از شانزادگان تقسیم شده بود در ۱۰۰۰ اطن آرا مملکتی  
 جدید تشکیل داد و قرن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم این مملکت  
 بواسطه جدال فزاع مابین پاپ و امپراتور در لرزل و انهدراب بود  
 در قرن یازدهم نورماندیا مملکت پاپ سبیل را تصرف کرد  
 در جنگهای صلیبی ایتالیا با جمعی نبره کی نمودند  
 در قرن پانزدهم مالک اصلی و عهد ایتالیا از این سلسله بود که  
 متعلق بهلیا پادشاه نشین ناپل و ان نشین میلان دالی نشین  
 جهومی و نیز دالی نشین ساسا و اکه مملکت پدیه من نیز بود متصل



بواسطه این اتفاقات که در ایتالیا واقع شده بود دولت‌های خارجی  
 حمله کردند چنانکه فرانسه با او جنگ نمود و همچنین اسپانی در زمان  
 شارلکن و جانشینهای او نیز در زمان شارل ششم و لوی دوازدهم  
 و فرانسوی اول با ایتالیا جنگیدند

و این عصر عصریست که ادبیات و صنایع در ایتالیا متولد و طالع گشته  
 و نابل آن در هر سبب اثر نیکبانی مانده شارلکن میانه و نابل ما  
 از ممالک ایتالیا متصرف بود و بعد از دستگیری او به دست پسرش  
 افتاد که فیلیپ دوم نام داشت در قرن هفدهم پادشاه اسپانیا  
 ایتالیا بجهت میدان جنگ با فرانسه و اسپانی بود در آخر  
 بندهم دانی ساره که مالک پیمین و سائودنی بود ایتلیت  
 حاصل نمود و در سن ۱۷۰۱

پادشاه با استعلا نه شد بعد فو تمام شدن جنگ تبدیل سلطنت  
 ممالک میانه و نابل با برش طرخ گشت

در قرن سیزدهم ایتالیا میدان جنگ فرانسه و اطریش گردید و  
 امر نمود که نابل و توسکان را بجز بونهای اسپانی بدهند تا بزرگان

ایطالی جمهوری فدرال اعلام جنگ نمودند و مغلوب شدند و چهار  
 جمهوری در ایتالیا بزرگوار شد اما پاپیون بنا پات شهر و تیرا در تخت  
 مستطاطریشی با در آورد و یک خبر از ایتالیا ما خبر پسند طغی ساخت  
 را با حق آنرا و وسعت تشین دیگر تشکیل داد یکی برای خود تشین و یکی  
 دیگر برای برادرزیش مورس

از ابتدای سال ۱۳۱۳ تسلط فرانسه با در ایتالیا بر هم خورد

عمد نامه ۱۵۱۱ ایتالیا را بچند محکمت تقسیم نمود که اصول آنها این  
 قرار است مالک پاپ و پادشاه تشین و وسیل و والی  
 تشین بزرگ ترکان و محکمت پیرمن و پادشاه تشین مبار و ولی  
 سین که مستقل با طریش است

از سال ۱۸۱۵ تا ۱۸۵۹ در این زمان ایتالیا با تسلیم داشت و در سال

که بعد از سال ۱۸۵۹ وجه آریستو با وقوع یافت و رخ شد

در سال ۱۸۵۹ محکمت پیرمن محکمتی بود که آزادی در آن مقرر کرد و با قرار

اتحاد نمود با اطریش جنگ نمود و اطریش را مغلوب نمود و مبارک

از آن گرفت و تمام مالک ایتالیا بر پیرمن طغی گشته طغی تشکیل داد

در ۱۸۶۶ پادشاه ایتالیا با پروس متحد گردید و بر اعظمیست منو  
دوینسی را از اطریش گرفت

شهرم متعلق به پاپ بود و همیشه یک دسته قشون فرانسه پاسپانی  
و حمایت او قیام داشتند

از ۱۸۷۶ این دسته قشون فرانسه برگشتند و از آن زمان در شهرم  
پای تخت ایتالیا است

۱۷- ژاپن - تاریخ مخصوص او را مطالعه کنید

۱۸- یهودیان - فصل دوم این کتاب بجزع نماید

۱۹- مکزیک - در قرن شانزدهم توسط اسپانیولیا

اکتشاف شد و مملکتی بود که بواسطه معادن طلا و نقره ثروتمین بیاد

در ۱۵۲۱ فرمان گرفت آنجا را تصرف نمود و مدت سیصد سال

متعلق به اسپانی بود بعد بهایی سکنه آن کاتولیک مذہب شدند

زبان اسپانیولی آموختند

در ۱۸۱۱ اهل مکزیک شروع ثبورش نمودند و مکزیک اول امپراطور

گردید و بعد از آن جمهوری آزاد شد

در سال ۱۸۶۳ ناپلئون سیم انجمن را منحل کرده و با کسپلین امپراطور و  
ولی دوباره در سال ۱۸۶۴ بحیثیت خود نمود

۴۰- پرو - اکتشاف تسخیر آن در سال ۱۸۲۵ توسط اسپانیایی  
شد و سکنه آن کاتولیک شد و فرانسه حرف زدند و نیز مدت

سال متعلق به اسپانیایی بود ولی در سال ۱۸۲۵ برای آنهایی بولیوار بر ضد  
اسپانیاییها شورش کردند و آن مملکت جمهوری کرد

۴۱- پرتوگال - سلطان نشینی صومالی است که یکفرشها  
فلسفه صومالی در قرن یازدهم از مسلمانان گرفت

پرتوگالیها در قرن سیزدهم سواحل افریقا را کشف نمودند و راه هند  
پیدا کردند و در هند بقا و بر ازیل و در هند مهاجر نشینها برقرار کردند  
و در آنوقت بسیار مقدر شدند

در سال ۱۸۱۰ مالی آن شورش کرده دوباره پادشاه نشینی آزاد شد  
در سال ۱۹۱۰ پرتوگالیها ادعای جمهوری کردند

۴۲- پرو - مملکتی مرکب از چند ولایت است که در قرن  
هفدهم میلادی با یکدیگر متصل بودند ولی در عصرهای اولیه تاریخی نداشتند

و در عهد متصرفین نیز به عنوان محکمت پروکس تشکیل شده بود  
 و در ایالت اصلی آن که بعداً تشکیل یافت براند بورک و پروکس است  
 براند بورک محکمتی است که وایفیه سز و در آن ساکن هستند و در قرن  
 دهم امپراطورهای آن بخارا تصرف شدند  
 پروکس ولایتی است که طایفه پروکس در آن ساکن بودند  
 در قرن نهم و دهم شیخاغان شش تنیک آنها را تصرف کردند و در قرن  
 یازدهم کنفرش شاهزاده از آلماز خوبی که پاشا فروریکن بن زین  
 بود فرمانروای براند بورک شد.  
 فرمانروایان براند بورک شاهزادگان فروریکن بودند که حق انتخاب وکیل داشتند  
 بنین زین رئیس براند بورک قانون زوم را تصویب کرد و کنفرام  
 از اقوام شاهزادگان که صاحب درجه تنیک بود بنین قسم زوم را  
 قبول کرد و والی پروکس گردید پروکس براند بورک بسبب جنگها و  
 زوم بسیار ضعیف و خورده  
 در ابتدا سی قرن بعد هم مارکراو حکمران براند بورک والی نشین پروکس  
 و والی نشینهای سواحل آن را مالک شد

در مدت جنگ سی ساله مالک مارگراو در براند بورگ یکدیگر متصل شد

در سال ۱۲۶۱ در مصاحبه دست خالی و آذوقه با برادر یکدیگر بیوم

یک جزو از پرمانی را تصرف نمود و همچنین از انبی و دیگر که با او داشت

حکومتش کرد این شاهزاده بالونی چهاردهم در تمام جنگها همراه بود

و دولتی بسیار قوی تربیت داد اما الهامی متفرقه را در یک حکمت جمع

نمود و بر همه آنها فرمان فرمایی میکرد

فروریات نواده فروریات کیلیوم در سال ۱۲۶۱ لقب پادشاهین برود

معاهده‌های ۱۸۱۵ ایالت‌های باتمبول و ورن ابر پروس و اد  
 ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۱ مملکت پروس با وصف اینکه احکامش ابتدا  
 بود ولی امید واری او بوطن خردمان آلمان بود که قوانین نظامی خود را

کاربرد

در ۱۸۴۱ بواسطه شورش که در پروس حاصل شد پادشاه مجبور گردید  
 که بطور آزادی مشروطه بر خایا می خورد بدو ولی شورش را خاموش  
 ساخته خودش هم از تاج امپراطوری آلمان افتخار وزیر  
 در ۱۸۶۰ دولت پروس در سلطنت کیلیوم و وزارت پرنس نیرکه  
 با اطریش جنگید و اطریش را در ساد و او مغلوب ساخت و در آن وقت  
 بتستین و ریلیک و آنوز و والی شین بن کاسل و شهر  
 فرانکفور ضمیمه پروس شد و پادشاه پروس قس قول متحابه آلمان  
 شمالی گردید در ۱۸۷۱ پادشاه پروس بعد از غلبه بر فرانسه امپراطور  
 آلمان شد

۲۱۳ - روسی - روسیه مسکن طوائف مختلف بوده همچو  
 سلاو در عصرهای اولیه تاریخی ندارد در او اخر قرن نهم و سیزدهم

تغییر نمیدادند و مسیحی گردیدند در آخر قرن سیزدهم متولیان روسیا  
آمده روسیه را تصرف کرده

در سال ۱۷۶۲ ایوان روسی روسها را از تبعیت منقول بیرون آورد و هر  
بنیادین دولت و سس نمود بر فرم مذهبی در روسیه نفوذی نمود  
زیرا که روسها تا وقتیکه مذهب نبود بلکه رئیس آنها که شاهزاده  
بزرگ یا قیصر نامیده میشد رئیس مذهب آنها هم بود

در آخر قرن هجدهم قیصر بطریق ترقیب و ترقی روسها اقدام نمود  
شهر سن پترزبورگ را در سال ۱۷۰۳ بنا کرد و در سال ۱۷۱۱ ایالات لیتوانیا  
از نو تشکیل گرفت

در مدت قرن هجدهم روسها در اروپا رقابتی بزرگ نمودند که در  
دویم ایالات بحر اسود را از عثمانی گرفت و یک جزایر یونانی را تصرف نمود  
در ایام شورش فرانسه روسها از جنگ فایده نبرد با ناپلئون شکست  
نموده مغلوب او گردیدند و بالاخره در سال ۱۸۰۱ مصالحه نموده دوباره عهد  
سال ۱۸۱۲ آن مصالحه را برهم زدند

مهادت روسیه با ناپلئون که در سال ۱۸۱۲ بود ثروت ناپلئون را تمام کرد



در ۱۸۱۵ میلادی الکساندر اول قیصر روس قوی ترین دشمنان روس

بود ولی از سایر غالبین با فرانسه ملایم تر بود در مدت قرن نوزدهم  
روسی نظری عظیم حاصل نمود بخصوص در زود خورد عثمانی و سایر رقبای

در ۱۸۲۴ روس نیکت تقعا زرا تسخیر نمود

در ۱۸۲۹ ارمنستان را متصرف شد

در ۱۸۲۹ یونان را ملک نمود تا از ادش

در ۱۸۵۳ ملک عثمانی را فرا گرفت

ولی از فرانسه و انگلیس که با عثمانی اتفاق کرده بودند مخلوب شد

در ۱۸۵۹ دره زود و آمو را از چین گرفت در ۱۸۶۶ و ۱۸۶۷

ترکستان را فتح و متصرف نمود در ۱۸۷۱ خیره را متصرف گشت در ۷۴

مرد را در ۱۸۷۲ با عثمانی جنگ نموده اعضای عثمانی از هم متلاشی شد

و در آسیا از کناره دریای مازندران در وسط سیبری راه آهن کشید

ولی در ۱۸۹۱ از ژاپون شکست یافته مغلوب و مجبور بتخلیه منچوری گردید

روسها از وضع رقبا قیصر راضی نبودند و مخالفت او برخواست مطالبه مصر

۲۴ - سوئد - االی سوئد در ۱۸۲۹ نوب پرتان گرفتند و

جنگهای سی ساله همراه بود

در مدت قرن بیستم سود مملکتی با قدرت آید مشارک دوازدهم آید  
در سال ۱۷۰۰ بر روسها غالب آمد و پنی را تصرف کرد ولی در سال ۱۷۰۰  
پرتغال و مغرب و سها کردید تمام ایالات دریایی بالیکت اواردش  
بدر رفت

سود با ناپلیون جنگ نمود و در معاهده ۱۸۰۵ از او را زپادشاه  
و انمارک گرفت ولی در ۱۹۰۵ از او را خود را بخری و آزاد کرد

۲۵ - سوئیس - دما تیهایی کو بهستانی کنار دریاچه لوزرن  
اتحادی تشکیل دادند محض اینکه خودشان بی اثر شترش از ادکان محفوظند  
و بخصوص الی اطریش که در آن ولایت تسلطی داشت در سال ۱۳۱۰  
مراکزین برشجان اطریش غالب آمدند و رفته رفته سایر ساکنین  
سوئیس را بظرف خود جلب نموده اتحاد نسیده بلوک را تشکیل دادند  
و در سال ۱۳۱۰ در گرنش و در مرزات برشجان بزرگینسی غالب آمدند  
سوئیس با بهترین قشون پیاده اروپا محبوب میشوند و در کانون در رنو  
بذیب پرستان قبول کردند